

ادامه از صفحه ۲

### شلم‌شوربای جهانی علیه ایران

… و فرهنگ خود را در آن کشورها گسترده‌اند که این را می‌توان در ترکیب زبان‌های خاورمیانه تا هند با زبان‌های بومی کشورهای غربی به راحتی مشاهده کرد. به عبارت دیگر تحرک مردمی و تداوم مهاجرت به سوی غرب نه‌تنها در طول تاریخ هرگز از حرکت باز نایستاده بلکه موجب ترکیب فرهنگی ایران و غرب شده است. امروز ما زبان‌های اروپایی را «هند اروپایی» می‌خوانیم و ترکیب نژادی و زبانی ایران با کشورهای اروپای شرقی یک واقعیت انکارناپذیر است. مسئله مهاجرت نیز کم‌اکن دام‌گیر شرق و غرب است تا حدی که ایران یادآوری می‌کند اگر اروپا به تعهدات خود در برجام عمل نکند، راه مهاجرت به غرب را برای فلان گروه مهاجرت‌کرده به ایران باز خواهد کرد. با توجه به نکات فوق، دلایل شلم‌شوربایی که امروز آمریکایی‌ها درباره ایران درست کرده‌اند، بسیار روشن است. آنچه ایدئال آمریکای امروز است، این است که منطقه ثروتمند خاورمیانه کلا در چنگ غرب آن هم به رهبری آمریکا باشد و باقی بماند تا منابع آن به سود غرب مصادره شود. برای رسیدن به این هدف، کشورهای منطقه باید همه با هم دشمن باشند و برای دفاع از خود از غرب (نه از شرق) اسلحه بخرند. سبلیست‌های خراب‌شده سر روحانی زایدده همین سیاست است و ویژه او نیست. هر فرد دیگری هم جای او بود همین فشارها را باید تحمل می‌کرد. فراموش نکنید کشورهای غربی دو گونه رفتار با ایران دارند؛ یکی ظاهر قضیه است که در نظام رسانه‌های و تبلیغاتی دیده می‌شود و ماهیتا تشنج‌زاست و دیگری آن است که در جلسات خصوصی پارلمانی و کنگره‌ای خودشان مطرح می‌شود. ایران امروز در موضع دفاعی است تا در صورت بروز بحران از خود دفاع کند. در چنین موضعی بهترین روش بروز بحران با زورکوبان سکوت و حفظ آرامش همراه با پیش دائمی است تا صدای طرف مقابل را بشنوند و مبادا که صداهای بلند داخلی، مانع این امر حیاتی شود. بلاهای دیگری که به صورت طبیعی در سبل، توفان و زلزله بر سر ایران آمده و هنوز هم ادامه دارد، منحصر به ایران نیست، حتی سبم صدمات وارده به آمریکا به مراتب بیشتر از ایران است. باید خونسرد و هوشیار بود و تا آنجا که ممکن است از بحررفی پرهیز کرد.

ادامه از صفحه ۴

### شریک جرم

۷. شریک جرم بعدی، خود متهم و اخلاف و اسلاف او در دو وزارت آموزش‌وپرورش و فرهنگ و آموزش عالی (علوم، تحقیقات و فناوری فعلی) هستند. آنها اگر فقط بخشی از وصیت‌نامه درس‌آموز محمدعلی قزوینی، نخست‌وزیر حکمت‌دان را در کتب درسی می‌کنجاندند و خود هم از آموزه‌های آن بهره می‌بردند، چه‌با دست‌کم تاریخ سیاسی بعد از انقلاب با جوروی دیگر رقم می‌خورد؛ به‌گونه‌ای‌که فرزندان دهه ۶۰ به بعد ما امروز شاهد تصویر مهیوت‌کننده‌دست‌بندزده معلم اول خود و ابهت شکسته پیش‌کسوت دولتمرد کشورشان نمی‌بودند؛ هم او که نسبت آرزویی همه بچهدرس‌خوان‌ها رسیدن به گرد منزلت علمی او بوده؛ رتبه اول شریف (دانشگاه صنعتی آریامهر وقت) و فارغ‌التحصیل نخبه اول دانشگاهی جهان، ام‌ای‌تی! قزوینی در فرازی از آن پندنامه چنین می‌گوید: «فرزندان عزیزم تصور نکنید از شما توقع دارم مراض باشی و خودم را از هر تمتع و تنمهی محروم کنید… فقط سفارش من به شما این است که در هر مورد از جاده درستی و شرافتمندی خارج نشوید و از تنگ و مار احتراز کنید و هواهای نفسانی شما را غافل نکند، مخصوصا در معاشرت با زن احتیاط کرد، مگر آن زن که شخص دیلستیگی به زن نباید پیدا کرد، مگر آن زن که شخص او را به مسیری اختیار می‌کند و در آن باب هم فوق‌العاده محتاط باید بود.»

۸. به قول انگلیسی‌ها last but not least آخرین ولی نه کم‌اهمیت‌ترین مقصر، همه و همه ما هستیم؛ اول شخص جمع! به همین راحتی و سادگی! این به معنای همه ترک فعل‌های ما و فعل‌های ناقص ماست که در این یادداشت نسبتا مفصل به بخش اندکی از آن اشارت رفت. آنان که حاکمیت معیارهای دودگانه را باب کردند، آنان که برای از میدان بدرکردن رقیب دست به هر کار ناپسندی زدند، آنان که واداده عشق کاذب شدند و ارتباطات مخفی برقرار کردند، آنان که آتش بیدار معرکه شدند و قربانی داستان ما را به استیصال کشاندند، آن اعضای شورایی که هشدار هم‌جزبی‌های این قربانی را نادیده گرفتند و بر سپردن کلید پایتخت به دست وی اصرار ورزیدند، آن هم‌جزبی‌هایی که سرر بزنگاه رقیق گرمابه و گلستان خود را رها کردند، آن خانمی که سرزده و پابرهنه وارد خلوت خانوادگی جالفت‌اند شده، آن رسانه‌های که آرتیست‌بازی درآورد و ازجمله با توهین به خرد جمعی فیلم خبری را باسهمه‌ای کرد، آن روزنامه‌های که با گزینش ژانر «شلیک ببه اصلاحات»، برای ماجربایی چنین آرتیزک عقده‌گسایبی کرد و… همه و همه شریک جرم‌اند. هر چند مدعی‌العموم به صورت قانونی از قراردادن نام شرکای جرم در کفیرخواست خود معذور است، اما کفیرخواست فراقانونی وجدان عمومی در وقت صدور، آنها را از قلم نمی‌اندازد و کسانی را که به دلیل عاقبت‌طلبی و منفعت‌جویی مهر سکوت بر همه ناراستی‌ها زدند، در سرلیست خود قرار می‌دهد.

**شهرزاد همتی**؛ روزی نیست که در صفحه حوادث روزنامه‌ها خبری از همسرکشی نباشد. همین دیروز در شیراز مردی که مشکلاتی با همسرش داشت، پس از کشتن او، اقدام به ازبین‌بردن خودش کرد. همین الان هم مردان و زنان زیادی در زندان‌های کشور منتظر اجرای حکم خود به دلیل کشتن همسرانشان هستند. این موضوع فقیر و غنی هم نمی‌شناسد و حوادث روزهای گذشته هم نشان از آن دارد که این مسئله ربطی به جایگاه اجتماعی ندارد. عصبانیت و خشویتی که در جامعه وجود دارد، افراد را به سمت ابراز خشونت به سمت خانواده خود می‌برد. همسرکشی و فرزندآزاری بخش زیادی از پرونده‌های کفیری را تشکیل می‌دهند.

بر اساس آمار منتشرشده، نزدیک به ۳۳ درصد قتل‌هایی که در سال ۱۳۹۰ در ایران اتفاق افتاد، قتل‌های خانوادگی بوده؛ از این میان «همسرکشی» بیشترین سهم را به خود اختصاص داده و شش درصد از این قتل‌ها نیز «شوهرکشی» بوده است. سال ۱۳۹۳ معاون وقت مبارزه با قتل پلیس آگاهی در گفت‌وگویی اعلام کرده بود: در ۳۰ درصد از وقایع قتل، بین قتل‌وارد و متهم، نسبت فامیلی، امم از دور و نزدیک وجود دارد و در حدود هفت درصد از کل قتل‌ها، بین متهم و مقتول رابطه زوجیت برقرار بوده که همسرکشی تلقی می‌شود. به گفته او، در سال ۹۳، وقایع همسرکشی، ۷۲ درصد، مربوط به قتل زن به دست شوهر و ۲۸ درصد، مربوط به قتل شوهر به دست زن بوده است.

فرشته مرصادی، دانشجوی دکتری حقوق جزا که پایان‌نامه کارشناسی‌ارشدش را به همسرکشی اختصاص داده، درباره این آمار به «شرق» می‌گوید: پایان‌نامه من مربوط به سال ۹۴ بود. مطابق آمار ما، ۴۳ درصد از این جرائم، ریشه در مسائل منکراتی و اخلاقی و ۵۱ درصد آن نیز ناشی از اختلافات خانوادگی و نظیر، اعتیاد، سوءظن، اختلاف‌نظر در شغل، محل زندگی، نوع پوشش و … و شش درصد باقی‌مانده نیز سایر موارد، از جمله جنون و اختلالات روانی بود. میزان کشتن زنان به دست شوهران حدودا دوبرابر شوهرکشی بود و بیشتر زنانی که قربانی همسرکشی می‌شدند، درواقع قربانی سوظن بوده‌اند. گاهی این اختلافات دربراه زن‌کشی مردان نیز

هستند، اما به دلیل فشارهایی که از طرق مختلف به خانواده وارد می‌شود، این اختلافات کوچک منجر به فاجعه‌ای مانند همسرکشی می‌شود.

به گفته مرصادی، بسیاری از زنان همسرکش، از سوی شوهران خود مورد خشونت و ضرب‌وشتن واقع می‌شوند. بسیاری از آنها پیش از ارتکاب جرم از پلیس، مددکار و خانواده درخواست کمک می‌کنند، اما اضطرابی‌بودن موقعیت آنها تشخیص داده نمی‌شود و خانواده‌ها با جملات کلیشه‌ای که می‌کنند و مددکاران نیز با جملاتی نظیر «به‌عنوان یک زن زنانگی‌ات را برای آرام‌کردن همسرست به کار بگیر» سعی می‌کنند درواقع قضیه را ماستمالی کنند. زن که در دادگاه خانواده هم چندان راه‌حلی برای رهایی‌اش پیدا نمی‌کند و از طرفی حتی بلد نیست که چگونه در دادگاه موقعیت خود را ارتاب کند و از طرفی طولانی و فرسایشی‌بودن روند طلاق باعث می‌شود که زنان برای رهاشدن خود از خشونت، اقدام به کشتن مردان کنند.

وی همچنین در ادامه می‌گوید: «البته آمار سه‌درصدی نیز از زنان وجود دارد که به دلیل حضور شخص سوم در زندگی‌شان و علاقه به مرد دیگری اقدام به حذف فیزیکی همسر می‌کنند.»

این حقوق‌دان درباره زن‌کشی مردان نیز

## جامعه

بررسی دلایل همسرکشی در ایران در گفت‌وگو با ۲ حقوق‌دان

# قتل زیر سقف مشترک



می‌افزاید: «سوءظن، عصبانیت، قوانین مردسالارانه و تعصب از دلایل اصلی همسرکشی مردان است. از طرفی اگر مردان نسبت به همسرشان مهارت‌ها و منابع کمتری داشته باشند، برای اثبات قدرتشان از اعمال خشونت استفاده می‌کنند. مردانی که میزان تحصیلات کمتری نسبت به همسرانشان دارند یا از موقعیت و پایگاه اجتماعی پایین‌تری برخوردار هستند بیشتر اقدام به همسرکشی می‌کنند.»

مسئله همسرکشی البته فقط مختص ایران نیست؛ در کشورهایمانند کمبوجا، کینه، آفریقای جنوبی، برزیل، مکزیک و پاناما هم آمار همسرکشی قابل‌توجه است. همچنین مطابق آمار منتشرشده در آمریکا نیز در سال ۲۰۱۵، نسبت جنسیتی همسرکشی در این کشور، دوبرابر کشورهای انگلیسی‌زبان اروپای غربی، استرالیا و کانادا بوده است. طبق آماریکه از نتایج یک پژوهش ۱۰ ساله است، در آمریکا به ازای هر صد مردی که همسرکشی می‌کنند، ۷۵ زن مبادرت به قتل همسران خود می‌کنند.

عبدالصمد خرماشاهی، وکیل پایه‌یک دادگستری که در سال‌های کاری‌اش وکالت پرونده‌های جنجالی بی‌شماری را برعهده داشته، در گفت‌وگو با «شرق»، درباره پدیده همسرکشی در ایران می‌گوید: «بیشتر مردان هستند که همسران خود را به قتل می‌رسانند. آمار بین زنان و مردان در این موضوع

## گزارش «شرق» درباره حضور تبلیغاتی پزشکان در برنامه‌های تلویزیونی

## کارشناسی پزشکی پولی

در آن جلسه شرکت کرده بودند گفتم با پزشکی را دو سال از طبابت محروم کرده بودیم که فردای آن روز به‌عنوان کارشناس در تلویزیون حضور پیدا کرده بود. وقتی ما پزشکانی را از کار محروم کرده‌ایم و حتی پزشکی به‌طور دائم از کار محروم شده است، چطور به‌عنوان کارشناس در برنامه تلویزیونی حضور پیدا می‌کنند. صدواسیما اطلاعی از پرونده این پزشکان ندارد، به‌دلیل اینکه پرونده آنها به‌صورت محرمانه نزد ما قرار دارد، به آنها نیز اعلام کرده‌ایم آمادگی این را داریم که در هر رشته پزشکی که صدواسیما می‌خواهد، به آنها کارشناس معرفی کنیم. این کار، هم به نفع صدواسیما و هم به نفع مردم جامعه است. البته پیش از این نیز که ما از آنها گله کرده بودیم، مسئولان صدواسیما ابتدا هنگام معرفی کارشناس از ما استعلام می‌گرفتند، اما با گذشت زمان باز به همان رویه خود بازگشتند.فتاحی درباره دریافت پول از برخی پزشکان برای شرکت در برنامه‌های تلویزیونی افزود «معنایی ندارد که از پزشکان برای حضور در برنامه به‌عنوان کارشناس پولی دریافت شود، این کار به چه معناست؟ قطعاً باید یک کارشناس شرایط علمی و اخلاق حرفه‌ای داشته باشد و هر فردی نمی‌تواند کارشناس باشد و فاکتورهای مختلفی باید در کنار هم قرار بگیرد تا فردی بتواند کارشناس شود، آن هم در صدواسیمايي که ما اعتقاد داریم یک دانشگاه ملی است و تعداد زیادی از مردم به تماشای آن می‌نشینند و از آن تأثیر می‌گیرند.»محمدجواد فاطمی، فوق تخصص جراحی پلاستیک و رئیس انجمن سوختگی قنقوس، یکی از پزشکانی است که بارها افرادی با او تماس گرفته‌اند و از او خواسته‌اند با پرداخت پول به‌عنوان کارشناس در برنامه‌های تلویزیون شرکت کند. این پزشک متخصص که در گفته خودش حاضر به این کار نیست، دراین‌باره به «شرق» می‌گوید «قطعاً حضور در رسانه و شبکه‌های تلویزیونی برای پزشکان بسیار جذاب است و به‌ندرت پزشکانی پیدا می‌شوند که تمایل به حضور در این برنامه‌ها را نداشته باشند. متأسفانه از این تمایل سوءاستفاده شده است و حتی شرکت‌هایی دراین‌باره برپا شده‌اند، پیش ازین افرادی با پزشکان تماس می‌گرفتند و در ازای دریافت مبلغی پول از آنها برای حضور در برنامه‌های تلویزیونی دعوت می‌کردند. آنها هنگام مطرح‌کردن پیشنهادشان می‌گفتند ما می‌توانیم شما را در شبکه‌های مختلف و برنامه‌های پرربیننده دعوت کنیم که هزینه شرکت در هر برنامه براساس زمان حضور و نوع برنامه تعیین می‌شود؛ اما شنیده‌ام به‌تازگی در قبال‌های رسمی‌تر از پزشکان دعوت می‌کنند و متأسفانه اطلاع دارم برخی از پزشکان با بهتر از وزارت بهداشت، نظام پزشکی و انجمن‌های علمی و تخصصی نیست؛ این ارگان‌ها کاملاً پزشکان را می‌شناسد و به موضوع اشراف دارند. هفته گذشته جلسه‌ای با مسئولان صدواسیما داشتیم که در آن جلسه از آنها گله‌مند شدیم، حتی به مسئولانی که

برابر نیست و زنان بیشتر در روابط خانوادگی قربانی می‌شوند. در همسرکشی کلا انگیزه‌ها متفاوت است، اما چند علت وجود دارد که معمولاً در بخش اعظم قتل‌ها مشابه است؛ یکی اینکه همیشه در جنایت همسرکشی (خصوصاً در بین مردان) پای شخص ثالثی در میان است. این‌قتل‌ها معمولاً قتل ناموسی هستند و شوهر فکر می‌کند یا می‌بیند که مورد خیانت واقع می‌شود و به‌جای پیگیری راه قانونی، در اثر خشم، مبادرت به قتل همسر می‌کند. دلیل دومی که مردان اقدام به قتل می‌کنند بحث فقر است. فقر علت‌العلل همه جنایات است. فقر مادی، فقر فرهنگی می‌آورد و نمی‌شود از آن غافل شد.»

وی در ادامه با اشاره به دلایل همسرکشی به دست زنان تأکید کرد: «در همسرکشی زنان یکی از مواردی که کمتر به آن توجه می‌شود، مقدار زیاد سخت‌گیری و اطاله دادرسی یا سخت‌گیری درخصوص طلاق زنان است. دلایلی که در قانون وجود دارد و سختی‌های دادگاه و اثبات عسر و حرج توان زنان را می‌گیرد و عموماً همسرانشان هم با طلاق مخالفت می‌کنند. ما از این موارد هم زیاد داشتیم که زنان وقتی خسته می‌شوند و تمام تلاش خود را می‌کنند و نمی‌توانند موفق شوند، سعی می‌کنند به صورت فیزیکی همسرشان را از بین ببرند و به قول خودشان از جهنم نجات پیدا کنند. در این‌گونه قتل‌ها معمولاً بحث معاونت مطرح می‌شود. در اغلب این پرونده‌ها زن‌ها مباشر قتل نیستند و توسط شخص ثالث قتل اتفاق می‌افتد و زن‌ها به لحاظ عدم توانایی لازم از لحاظ جسمانی برای مقابله با مرد، شخص سومی را حلا از طریق رفاقت، تحریک، تشویق و تطمیع مباشر قتل می‌کنند و اینها از شايع‌ترین مواردی است که در اغلب پرونده‌ها وجه مشترک دارد.»

این وکیل دادگستری در پایان تأکید کرد: «در اغلب وکیل دادگستری از مشکلات مالی غافل شد که مرد به لحاظ مشکلات زندگی نمی‌تواند از پس خرج زن و بچه برآید و همسر و فرزندانش را به قتل می‌رساند، اما مسئله بیشتر بدبینی، شکاکی، حسادت و اینها از شايع‌ترین مواردی است که در اغلب پرونده‌ها وجه مشترک دارد.»

مسئله همسرکشی البته فقط مختص ایران نیست؛ در کشورهایمانند کمبوجا، کینه، آفریقای جنوبی، برزیل، مکزیک و پاناما هم آمار همسرکشی قابل‌توجه است. همچنین مطابق آمار منتشرشده در آمریکا نیز در سال ۲۰۱۵، نسبت جنسیتی همسرکشی در این کشور، دوبرابر کشورهای انگلیسی‌زبان اروپای غربی، استرالیا و کانادا بوده است. طبق آماریکه از نتایج یک پژوهش ۱۰ ساله است، در آمریکا به ازای هر صد مردی که همسرکشی می‌کنند، ۷۵ زن مبادرت به قتل همسران خود می‌کنند.

کارشناس در برنامه‌ها دعوت شود؛ اما اگر قرار باشد پزشک پولی برای شرکت در برنامه پرداخت کند، در قالب تبلیغات قرار می‌گیرد.» این پزشک متخصص شاشمی هستند؛ به‌همین‌خاطر اعتماد خاصی به آنها پیدا می‌کنند. کارشناس‌هایی که در صدواسیما دعوت می‌شوند، دو گروه هستند: برخی از آنها پزشکان بسیار سرشناس و باسوادى هستند و برخی دیگر افرادی هستند که نه پزشکان شناخته‌شده‌ای هستند و نه کار علمی خاصی در حوزه تخصص‌شان انجام داده‌اند، اما در این برنامه‌ها حضور پیدا می‌کنند. حضور این افراد مشکوک است و باید بررسی شود که بر چه اساسی صدواسیما از این افراد برای حضور در برنامه دعوت کرده است.»بابک زمانی یکی دیگر از پزشکانی است که با او تماس گرفته شده است. او نیز دراین‌باره به «شرق» می‌گوید «یکی، دو بار دراین‌باره با من تماس گرفته شده است. پیش‌ازین من به‌عنوان کارشناس در برنامه‌های تلویزیونی شرکت می‌کردم؛ اما از زمانی که این پیشنهادها مطرح شد، دیگر در این برنامه‌ها شرکت نکردم و تا زمانی که مطمئن نشوم برنامه خبری است و جنبه اطلاع‌رسانی به مردم را دارد، در آن شرکت نمی‌کنم. همیشه تبلیغات در کار پزشکی خلاف بوده است و پزشکان نباید برای کارشان تبلیغ کنند. ممکن است از پزشکان به‌عنوان

یکشنبه ۱۲ خرداد ۱۳۹۸

در بچه

### کاهش اشاعه دیالکتیک اخلاقی

یاسین آذریان

● دگرگونی‌ها و تحولات صنعتی و تکنولوژیکی منجر به تسلط عقلانیت‌ابزاری بر جوامع شده است. همین امر نه‌تنها باعث تغییر کنش در سطح فردی و اجتماعی و نیز حاکمیت هدف منفعتی در عامل انگیزشی و تحریکی بروز کنش می‌شود؛ بلکه باعث تغییر و دگردیسی در کنش‌های اخلاقی و اهداف آن نیز می‌شود. در این شرایط اخلاقی در کنش فردی از معنای حس صیانت درونی و مسئولیت در برابر دیگری عبور می‌کند و به ابزاری برای هدف منفعتی بدل می‌شود. این وضعیت به تدریج منجر به بحران معنا (تفسیر معنا) و بحران هویت (حذف دیالکتیک دگرخواهی و خودخواهی) و نیز تسلط جهان اندیشگی نیهیلیسم (ارزش‌های ابزاری) در کنش انسان می‌شود.برای مهار و جلوگیری از این شرایط و سوق‌دادن جامعه به سوی اشراف اخلاقی، آموزش‌های اخلاقی به صورت گسترده و در سطوح مختلف از سوی سازمان‌ها و افراد متخصص ضروری می‌شود. یکی از مهم‌ترین رسالت‌های رسانه هم طراحی و ساخت برنامه‌هایی با محتوای اخلاقی به صورت مستقیم و غیرمستقیم است. صرف‌نظر از برنامه‌های مذهبی که هدف و تأثیر مستقیم آنها کاملاً ملموس و مشهود است، برنامه‌های تلویزیونی دیگری مانند «گفت‌وگوی تنهایی» و «ماه عسل» به صورت غیرمستقیم با بیان درونیات انسانی و تمینات اخلاقی، نقش بسزایی در این مسئله ایفا می‌کنند. در واقع این‌گونه پروژه‌ها «دیالکتیک اخلاقی» را که مقوله‌ای کاملاً درونی است، آشکار و علنی می‌کنند. همین امر منجر به تلنگری حساب‌شده بر مخاطبان می‌شود.حیات اجتماعی محصول تعلمات کنشگرانی است که زندگی و وجود انسانی آنان در زمینه زندگی اجتماعی تبلور می‌یابد و تمام وجودشان معطوف به دیگران می‌شود. اخلاق، هم‌داستان با مسئولیت است و مسئولیت، همواره در مقابل دیگری تعریف می‌شود. دیگری با محدودکردن قلمرو من، من را ملزم به دیدن و درنظرگرفتن خود (خود حقیقی) می‌کند. به پرسش کشیده‌شدن خودانگیختگی من توسط حضور دیگری، اخلاق است. فرایند کنش اخلاقی با کشمکش و دیالکتیک (گفت‌وگوسوی درونی) بر سر بروز سائق‌های دگرخواهی و خودخواهی آغاز می‌شود و در نهایت با توجه به دیگری و کنش همسو با آن اخلاق بروز می‌یابد.در برنامه «گفت‌وگوی تنهایی» از درونیات و خواسته‌های فرد که بیشتر جنبه معنوی دارد، پرده برداشته می‌شود که این اولین گام در فرایند اخلاقی است؛ اما باید توجه کرد که اخلاق، پرداختن به «آنچه هست» به‌عنوان یک خواسته و تمنا نیست؛ بلکه پرداختن به «آنچه باید» است. «آنچه هست»، در واقع گزارش یا توصیف اخلاقی است که یک فرد آرزو می‌کند؛ اما «آنچه باید»، بعد رایگماتیستی و عملی دیالکتیک اخلاقی است که اخلاق را به فعل آشکار می‌کند. باید اذعان کرد که شکل جامع و کامل آن یعنی تبدیل «آنچه هست»، به «آنچه باید»، در برنامه ماه عسل، با روایت کنش و واکنش درونی انسان از زبان خود‌کنشگر بروز می‌یافت. این پروژه با یک گام فراتر، با بیان یک کنش دیالکتیکی از یک فرد، شکل تقابل‌های خودخواهی و دگرخواهی را نه در حد یک خواهش و تمناي درونی؛ بلکه به صورت یک خواسته‌مبدل به عمل، آشکار می‌کرد. کنشگر همانند قهرمان ترازوی با عبور ازخودخواهی (سعادت خویش و منافع شخصی) به دگرخواهی (توجه به دیگری) رسد می‌یافت. این امر به معنای بهره‌برداری بسیار مؤثر از قاب تلویزیون برای احیای دیالکتیک اخلاقی و اشاعه خرد جمعی (عقل اخلاقی) در جامعه است که به بروز اخلاق عملی منجر می‌شود.به نظر می‌رسد باید اهمیت برنامه‌هایی مانند «ماه عسل» بازگو و بر ضرورت آن تأکید بشود؛ تا به جای کمربت‌گدن و به‌حاشی‌رفتن به قوت خود باقی بماند و با بازاندیشی در این راستا دوباره احیا شود.

## فراخوان شناسایی و ارزیابی پیمانکار (یکم حله ای)

## مناقصه عمومی خدمات پشتیبانی ساختمان های شماره ۲۲ و ۳۵ بشماره ۳۳-۹۷

<b>شماره مجوز: ۱۳۶۷.۱۳۹۶</b>	<b>نوبت دوم</b>
۴- برآورد ۲۹,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰ ریال می باشد	
۵- زمان دریافت پاکات پیشنهاد قیمت: روز شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۰۵ به نشانی تهران خیابان حافظ، نیش خیابان رود سر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه اتاق ۱۲۴ میباشد	
۶- زمان و محل بازگشایی پاکات: روز سه شنبه مورخ ۱۳۹۸/۰۵/۱۵ به نشانی تهران خیابان حافظ، نیش خیابان رود سر شرکت ملی نفت ایران ساختمان مرکزی جدید طبقه ۲ اتاق سالن جلسات میباشد. (لازم به ذکر است زمان دقیق جلسه بازگشایی کتبا به مناقصه گران اطلاع داده خواهد شد)	
<b>ج- مدارک مورد نیاز</b>	
۱- ارائه صورتهای مالی حسابرسی شده منتهی به سال مالی ۱۳۹۶.	
۲- ارائه گواهی تایید صلاحیت فعالیت در محل اجرای پیمان بر اساس دستور العمل شماره ۱۴۹۷۱ مورخ ۸۸/۰۲/۱۸ وزارت کار و امور اجتماعی	
۳- ارائه گواهینامه تایید صلاحیت ایمنی پیمانکاری صادرشده توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی	
۴- سایر موارد دراسناد ارزیابی درج گردیده است.	
پس از بررسی مدارک و اسناد ارزیابی تکمیل شده واصله از سوی مناقصه گران و انجام ارزیابی، اسناد مناقصه بین شرکت‌های واجد شرایط توزیع خواهد شد. بدیهی است عدم رضایت کارفرما از عملکرد مناقصه گر ، مدارک شرکت مزبور مورد بررسی قرار نخواهد گرفت. ارائه مدارک و فرم های استعلام ارزیابی تکمیل شده از سوی مناقصه گران هیچگونه حقی را جهت متقاضیان برای شرکت در مناقصه ایجاد نخواهد کرد.	
<b>معاونت امور پشتیبانی</b>	<b>امور قراردادها و برآورد مقادیر</b>
<b>آگهی های ستاد شرکت ملی نفت ایران در سایت <a href="http://www.nioc.ir">www.nioc.ir</a> قابل مشاهده است.</b>	
<b>روابط عمومی شرکت ملی نفت ایران</b>	